

منظور از روزی که کافران از (غلبه بر) دین مسلمانان ناامید شدند چه روزی است؟

حال باید دید منظور از کلمه (یوم) در جمله (اليوم يئس الذين كفروا من دينكم فلا تخشوه) چیست؟ آن چه روزی است که کفار از دین مسلمانان مایوس شدند؟ و فهمیدند که دیگر نمی توانند دین اسلام را از بین ببرند،

• آیا آن زمانی است که اسلام با بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و دعوت آن جناب ظاهر شد؟

و در نتیجه مراد از این جمله این است که خدای تعالی اسلام را بر شما نازل و دین را برای شما تمام و

نعمت خود را بر شما به نهایت رسانید، و دیگر کفار نمی توانند به شما دست پیدا کنند؟

این را که به هیچ وجه نمی توان گفت، برای اینکه این عبارت را برای هر کس بخوانی از آن چنین می فهمد که مردم مسلمان دینی داشته اند، که به خاطر ناقص بودنش کفار طمع بسته بودند که دین آنان را باطل ساخته یا در آن دخل و تصرفی بکنند، و مسلمانان هم از همین جهت بر دین خود می ترسیدند، و لیکن خدای تعالی دین آنان را تکمیل کرد، و آن نقص را بر طرف ساخت، و نعمت خود را بر آن مردم به حد کمال رسانید، و آنگاه به آن مردم فرمود: دیگر نترسید که دیگر کفار از دین شما مایوس شدند، و ما می دانیم که عرب قبل از ظهور اسلام دینی نداشتند تا با بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به کمال رسیده باشد، و نعمتی نداشتند تا با آمدن اسلام آن نعمت تمام شود. علاوه بر اینکه اگر آیه را اینطور معنا کنیم باید علی القاعده جمله (اليوم اکملت لکم دینکم) را در اول آورده باشد، و جمله: (اليوم يئس الذين كفروا) را دنبال آن تا معنا درست شود، (چون مایوس شدن کفار لازمه به کمال رسیدن دین است، نه اینکه به کمال رسیدن دین لازمه مایوس شدن کفار باشد).

• و یا آنکه مراد از کلمه (یوم) روز بعد از فتح است، که خدای تعالی کید مشرکین قریش را باطل و

شوکتشان را شکست، و بنیان دین بت پرستیشان را منهدم و بت هایشان را خرد نمود، و امیدشان را از

اینکه یک روز دیگر روی پای خود بایستند و در مقابل اسلام صف آرائی نموده از نفوذ اسلام و انتشار

آن جلوگیری کنند قطع فرمود.

این احتمال نیز درست نیست زیرا آیه شریفه دلالت به اکمال دین دارد، و ما می دانیم که بعد از فتح مکه دین

خدا کامل و نعمتش تمام نشده بود، چون فتح مکه در سال هشتم هجرت اتفاق افتاد و بسیاری از واجبات دینی

اسلام بعد از این سال نازل شد و بسیاری از حلالها و حرامها بین فتح مکه و بین درگذشت رسول خدا (صلی الله

علیه و آله) تشریح گردید. علاوه بر اینکه جمله: (الذین كفروا) انحصاری به مشرکین عرب ندارد، بلکه می

فرماید بطور کلی کفار دنیا از دین مسلمانان مایوس شدند، دلیل بر این معنا معارضات و عهد و پیمانهای است که بعد از فتح مکه همچنان علیه مسلمین معتبر و محترم شمرده می شد و مشرکین عرب همچنان طبق مراسم جاهلیت به حج می آمدند، و مراسم شرک را در آنجا انجام می دادند، زنها لخت مادر زاد و مکشوف العوره طواف می کردند، تا آنکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) امیر المؤمنین (علیه السلام) را با آیات سوره براءت بدانجا گسیل داشت، و بقایای رسوم جاهلیت را ابطال نمود.

- و یا مراد از کلمه (یوم) بعد از آیات سوره براءت/توبه است، و آن زمانی است که اسلام تقریباً بر شبه جزیره عرب گسترش یافته، آثار شرک از بین رفته، سنن جاهلیت بمرد، زمانی که دیگر مسلمانان در معابد و معاهد دین و از آن جمله در مناسک حج احدی از مشرکین را نمی دیدند، که مراسم شرک را انجام دهد، روزگاری که دنیا به کام مسلمین شد، و خدا آن خوف و دلواپسی که مسلمین داشتند را مبدل به امنیت کرد، و دیگر هیچ چیزی را شرک خدا ندانستند.

این احتمال هم به هیچ وجه قابل قبول نیست زیرا مشرکین عرب هر چند که بعد از نزول سوره براءت و بر چیده شدن بساط شرک از دین مسلمانان مایوس شدند، و رسوم جاهلیت محو شد، الا اینکه دین اسلام هنوز کامل نشده بود، چون فرائض و احکامی بعد از سوره براءت نازل شد، از آن جمله فرائض و احکامی است که در سوره مائده آمد، و مفسرین اتفاق دارند بر اینکه سوره مائده در اواخر عمر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شده، و همه می دانیم که بسیاری از احکام حلال و حرام و حدود و قصاص در این سوره است.

پس با نادرست بودن این سه احتمال که کلمه (یوم) به معنای دوره و ایام باشد نه یک روز خاصی که آفتاب در آن طلوع و غروب کرده باشد، و خلاصه وقتی نتوانستیم بگوئیم مراد از روز دوره پیدایش دعوت اسلامی، و یا دوره بعد از فتح مکه، و یا قطعه زمان بین نزول سوره براءت و رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است.

لا جرم و بناچار باید بگوئیم مراد از این کلمه یک روز معینی است، روزی است که خود این آیه در آن روز نازل شده، و قهراً روز نزول این سوره است، البته این در صورتی است که جمله (الیوم ینس الذین کفروا...) معترضه و به حسب معنا مرتبط با آیه ای باشد که آن را احاطه کرده، و یا بگوئیم نزول این آیه حتی بعد از نزول

سوره و در روزی بوده که بعد از آن دیگر هیچ آیه ای نازل نشده ، چون دنبالش فرموده : (امروز دیگر دین شما کامل شد).

(روز معین) مورد بحث چه روزی است ؟

خوب ، حال می پرسیم این روز معین چه روزی بوده ؟

- آیا روز معینی بوده که مکه فتح شد؟ و یا روز معینی که سوره براءت نازل شد؟ در فساد این دو احتمال همان اشکالهای سابق کافی است ، دیگر حاجتی به تکرار آنها و یا دلیل دیگر نیست.

- و یا مراد از این روز معین روز عرفه در حجۃ الوداع است ، که بسیاری از مفسرین این را گفته اند، و بعضی از روایات هم بر طبق آن وارد شده ، در این صورت می پرسیم معنای مایوس شدن کفار از دین مسلمانان در آن روز معین چیست ؟

- آیا معنایش این است که مشرکین قریش از اینکه بار دیگر زورشان برسد که دین اسلام را از بین ببرند مایوس شدند، که بسیار احتمال بی پایه ای است برای اینکه مشرکین عرب دو سال قبل یعنی در فتح مکه مایوس شدند، که سال هشتم هجرت بود، نه در روز عرفه از حجۃ الوداع ، که سال دهم از هجرت بوده

- و یا معنایش این است که در روز نزول براءت مایوس شدند، که نزول سوره براءت در سال نهم بوده ، و قهرا آن روز معین هم در آن سال بوده ، و یا منظور این است که همه کفار از دین مسلمانان مایوس شدند هم مشرکین و هم یهود و هم نصارا و هم مجوس و هم سایرین ، که قهرا بر حسب این احتمال باید بگوئیم جمله الذین کفروا جمله ای است مطلق - که ما می دانیم یهود و نصارا در آن روز از غلبه بر مسلمین مایوس نشده بودند، و قوت و شوکت اسلام از چهار دیواری جزیره العرب آن روز تجاوز نکرده بود.

- و از جهتی دیگر باید در باره این روز یعنی روز عرفه دقت و تامل کنیم ، بینیم چه رابطه ای بین روز عرفه یعنی روز نهم ماه ذی الحججه سال دهم هجرت با جمله : (الیوم اکملت لکم

دینکم و اتممت علیکم نعمتی) که در آیه مورد بحث قرار گرفته برقرار است. چه بسا ممکن است کسی بگوید: رابطه این بوده که در آن روز امور حج به حد کمال رسید، چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به نفس شریف خود در آن مراسم شرکت کرده بود و تک ، تک احکام حج را هم می گفت و هم خودش پیاده می کرد. اما متأسفانه این احتمال را هم نمی توان پذیرفت ، برای اینکه دیدیم یکی از مناسکی که در آن سال به مسلمانان تعلیم داد حج تمتع بود، که چیزی نگذشت بعد از درگذشتش متروک شد، آن وقت چطور ممکن است تعلیم چنین حکمی را اکمال دین بنامیم ، و تعلیم نماز و روزه و حج و زکات و جهاد و سایر معارف را که قبلاً تشریح شده بود تکمیل دین ندانیم ، و اصلاً چطور ممکن است تعلیم یکی از واجبات دین را اکمال آن دین شمرد با اینکه اکمال خود آن واجب هم نیست تا چه رسد به اکمال مجموع دین ؟

از این هم که بگذریم این احتمال باعث می شود که رابطه فقره اول یعنی جمله : (الیوم یئس الذین کفروا من دینکم) با فقره دوم یعنی جمله : (الیوم اکملت لکم دینکم) قطع بشود، چه رابطه ای تصور می شود که میان تعلیم حج تمتع برای مسلمانان و میان مایوس شدن کفار از دین مسلمین بوده باشد؟

• احتمال دیگر: روز معین روز نزول سوره مائده است.

و چه بسا ممکن است کسی دیگر بگوید: مراد این آیه این است که در این روز یعنی روز نزول سوره مائده با نازل شدن بقیه حلال و حرامها دین تکمیل شد، چون بعد از آن روز دیگر حلال و حرامی نازل نشد، و مراد از اکمال دین این است که یاس بر دلهای کفار مسلط گشته ، آثار این نومیدی و یاس بر چهره هاشان نمودار گشت. بله ممکن است کسی چنین بگوید، و لیکن لازم است انسان چشم خود را باز کند و ببیند بنابراین احتمال منظور از جمله : (الذین کفروا) چه کسانی است ؟

• اگر منظور کفار عرب است ، که در آن روز اثری از آنها نمانده بود، تا در باره آنان صحبت شود و گفته شود اینها دیگر مایوس شدند، چون اسلام در سال نهم هجرت بساط شرک را از میان عرب بر چیده بود، کسی در آن میان نبود که به غیر اسلام تظاهری بکند، و مگر حقیقت اسلام غیر این تسلیم است ، پس کفاری که مایوس شدند چه کسانیند.

- و اگر منظور از این جمله کفار غیر عرب از سایر امتها و نژادهای غیر عرب باشد، که همین چند سطر پیش گفتیم آنها از پیروز شدن بر اسلام مایوس نشده بودند.

آری بار دیگر چشم خود باز کنیم ببینیم بسته شدن باب تشریح چه زمانی بوده، آیا روز نزول سوره مائده که سوره مورد بحث ما است و به پایان رسیدن روز عرفه سال نهم بوده؟ که روایات بسیاری وارد شده بر اینکه احکام و واجباتی بعد از آن روز نازل شد، و آنقدر این روایات بسیار است که نمی توان آنها را بی ارزش شمرد، و شما خواننده می توانی این روایات را در تفسیر آیه صیف یعنی آیه کلاله در آخر سوره نساء و آیات ربا مطالعه کنید.

حتی از عمر بن خطاب روایت شده که در یکی از خطبه های خود گفت: آخرین آیه قرآنی که نازل شد آیه ربا بود، و نیز گفت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت و آیه ربا را برای ما بیان نکرد، بدین جهت از ربا هر مساله ای که مورد شک شما واقع شد احتیاط کنید، و تنها آن رفتاری را داشته باشید که یقین به حلال بودنش داشته باشید، (تا آخر حدیث) و بخاری در صحیح از ابن عباس روایت کرده که گفت: آخرین آیه ای که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شد آیه ربا بود، و از این قبیل روایات بسیاری دیگر.

و هیچ دانشمندی نمی تواند این روایات را ضعیف بشمارد، و آیه را بر آنها ترجیح دهد، برای اینکه آیه شریفه صریح در مفاد خود نیست و حتی ظهور هم ندارد که منظور از کلمه (الیوم) چه روزی است، این روایات است که باید آن را معین کند، وقتی در باره آن روز احتمالات بسیار می رود تعیین یک محتمل از میان چند محتمل دلیل می خواهد، و این روایات که دست کمی از صرف احتمال ندارد، با فرضی که سند هم نداشته باشند و حال آنکه دارند

- و نیز نمی تواند بگوید: مراد از اکمال دین خالص شدن خانه خدا از مشرکین و کوچ کردن مشرکین از مکه به بیرون شهر است، تا مسلمانان داخل شوند، و طوری حج کنند که با مشرکین مخلوط نشوند، برای اینکه چنین وضعی در سال قبل از سال نزول سوره پیدا شد، پس معنای تقیید کامل شدن دین به قید امروز چیست؟ علاوه بر اینکه به فرضی که قبول کنیم که مخلوط نشدن مسلمانان با مشرکین اتمام

نعمت باشد، که خود محل حرف و بلکه خنده آور است ، باری چگونه بپذیریم این مخلوط نشدن اکمال دین نیز هست ، و چه معنایی می توان برای این تعبیر پیدا کرد؟ آیا مخلوط نشدن مسلمانان با مشرکین اکمال دین می تواند باشد؟ با اینکه دین ربطی به مخلوط شدن و نشدن چند جور انسان ندارد، دین عبارت است از مجموعه ای از عقائد و احکام که اکمال آن را نمی توان به عدد افراد متدینین به آن دانست ، و اما صاف شدن جو زندگی مسلمانان برای اجرای احکام اسلام ، و بر طرف شدن موانع و مزاحمت از عمل مسلمین به آن احکام نیز نمی تواند اکمال دین باشد، علاوه بر این پیدا شدن چنین جوی چه ارتباطی با نومید شدن کفار دارد؟.

یکی از احتمالاتی که درباره مراد از (یوم) در (الیوم یئس الذین کفروا) داده شده و رد آن

- ممکن است کسی بگوید: مراد از اکمال دین بیان همین محرمانی است که در آیه شریفه آمده تا مسلمانان به این بیان تمسک کرده دیگر از گوشت فلان و فلان حیوان نخورند، و در این اجتناب خود از کفار هم ترسند، برای اینکه کفار دیگر از دین آنان مایوس شدند، و خدا آنان را عزت داده ، دینشان را و خودشان را بر کفار غلبه داد. ما از طرف صاحب این احتمال گفتار او را توضیح داده می گوئیم: حکمت اینکه خدای تعالی در اول اسلام از میان محرمان تنها اکتفا کردند به ذکر این چهار حرام یعنی گوشت مردار، و خون ، و گوشت خوک ، و آنچه برای غیر خدا ذبح شود، که در بعضی از سوره های مکی قرار گرفته و جزئیاتی که مندرج در تحت این چهار عنوان است را بیان نکرد، همان حکمتی است که در آیات تحریم شراب به چشم می خورد، و آن این است که قرآن کریم در تحریم خبائث و آن چه پلید است راه تدریج را پیش گرفت ، و همه را یکباره بیان نکرد، تا عرب از اسلام رمیده نشود، و در مسلمان شدن احساس دشواری نکند، و آنها هم که ایمان آورده بودند که نوعا و بیشتر از طبقه فقراء بودند از اسلام بر نگردند. به همین جهت همه محرمان از خوردنیها را وقتی بیان کرد که اسلام قوت و شوکت خود را یافت ، و خدای تعالی افراد مسلمین را زیاد نموده ، عزت و شوکتشان داده و به این وسیله مشرکین را از اینکه بتوانند مسلمانان را از اسلام رم دهند، و باز طمع غلبه بر مسلمین را در سر بپرورانند، و این امیدشان را که روزی با نیروی قاهره خود دین اسلام را از بین ببرند قطع نموده باشد، روزی آن جزئیات را بیان کرد که دیگر بر هیچ مسلمانی شایسته نباشد از کفار بترسد، و یا به خاطر رودربایستی آنان از این محرمان اجتناب نکند.

صاحب این احتمال از این بیان نتیجه گرفته که پس مراد از کلمه (یوم) روز عرفه از سال حجۃ الوداع است، یعنی همان روزی که این آیه نازل شد، و همه جزئیات و تفصیلات محرمات را که تاکنون بیان نکرده بود بیان کرد، و بقیه رسوم جاهلیت را و خبائث مشرکین و اوهام خرافی آنان را باطل ساخت، و با روشن ترین بیان ظهور و غلبه مسلمین بر مشرکین را بیان کرد، تا دیگر طمعی به از بین بردن اسلام نکنند و مسلمین هیچ احتیاجی به مدارا کردن با آنان و یا ترس از عواقب امور نداشته باشند. لذا می بینند که خدای سبحان در این آیه به مسلمانان خبر می دهد که کفار خودشان از غلبه بر دین شما مایوس شدند شما چرا دل واپسید؟ و با اینکه خدای تعالی ضعف شما را مبدل به قوت و خوف شما را به امنیت و فقرتان را مبدل به غنا فرمود، دیگر نباید از آنها بترسید، بلکه باید از خدا ترسیده از تفصیلات و جزئیات آنچه خدا شما را نهی کرده اجتناب کنید، که در این اجتناب کردنتان کمال دین شما است، این بود خلاصه ای از گفتار صاحب این قول و توضیح م.

جواب:

لیکن این شخصی که به خیال خود خواسته بین همه آن احتمالات که ما ذکر کردیم و یا نکردیم جمع کند تا اشکال هر احتمالی را با اشکالی که متوجه احتمال دیگر می شود رفع کند، در نتیجه در همه اشکالات و محذورات قرار گرفته، و هم لفظ آیه را در هم و بر هم کرده، و هم معنای آن را.

اولا:

غفلت و ورزیده از اینکه مراد از یاس اگر آن یاسی باشد که مستند به غلبه و قوت اسلام است، و در ایام فتح مکه و یا نزول آیات برائت تحقق یافته، دیگر صحیح نیست سخن از روز عرفه سال دهم هجرت به میان آورد، و بگوید جمله: (الیوم یئس الذین کفروا من دینکم) در آن روز نازل شده، زیرا نومیدی کفار نزدیک به یک و یا دو سال جلوتر از آن روز اتفاق افتاده بود، چون فتح مکه دو سال قبل از دهم هجرت بوده، و در چنین فرضی عبارت وافی و صحیح این بود که بفرماید: (قد یئس الذین کفروا من دینکم) (یعنی چندی قبل کفار از دین شما مایوس شدند)، نه اینکه بفرماید: امروز چنین شدند، همچنانکه خود این مرد آنجا که می خواهد گفتار خود را توضیح دهد همین تعبیر را آورده، و یا زمان گذشته و حال را مسکوت گذاشته، بفرماید: (انهم آیسون) کفار مایوسند

دوما:

و او غفلت کرده از اینکه مساله تدرج در تحریم طعامهای حرام که تحریم تدریجی آن را به تحریم تدریجی شراب قیاس کرده

اگر منظورش تدرج از حیث تحریم بعضی افراد از تحریم بعضی دیگر است، که قبلاً گفتیم آیه شریفه چیزی را زائد بر آنچه قبلاً تحریم شده بود تحریم نکرده، همانهایی را تحریم کرده که آیات سوره بقره و انعام و نحل تحریم کرده بود، چون عنوان (منخنقه) و (موقوده) اگر در آن آیات نیامده به هر جهت مصداق همان میته ای است که در آنها آمده بود.

و اگر منظورش تدرج از حیث بیان باشد، و خواسته باشد بگوید قرآن کریم اول محرمات را بطور اجمال بیان کرد، و سپس بطور تفصیل انگشت روی تک تک مصادیق آن گذشت، تا مبادا مردم از قبول همه آنها امتناع بورزند، این منظور نیز صحیح نیست، برای اینکه آنچه قبل از این سوره یعنی سوره مائده بیان شده یعنی میته و خون و گوشت خوک و آنچه برای غیر خدا ذبح شده مصادیقش بیشتر است، و بیشتر مورد ابتلاء مردم است، و در دل مردم اثر مخالف می گذارد تا آنچه در سوره مائده بیان شده، یعنی حیوان خفه شده، و کتک خورده، چون اینگونه مردارها خیلی به ندرت اتفاق می افتد، که مورد ابتلاء قرار گیرد، پس چه شد که این چهار عنوان که مهمتر و مورد ابتلاء بیشتر و سر و کار مردم با آنها زیادتر است، تحریمش بدون ترس و دلواپسی صریحاً اعلام شد، ولی اموری که خیلی کم اتفاق می افتد و نسبت به آن چهار عنوان اصلاً قابل اعتنا نیست تحریمش آرام آرام و به تدریج صورت گرفته، و شارع اسلام از تحریم یک باره آنها از امتناع مردم دلواپس شده است؟. علاوه بر این گیرم ما قبول کنیم که تحریم یکباره آنها چنین محذوری داشته، آیا تحریم مذکور اکمال دین است؟ و آیا صحیح است که تشریح احکام را دین بنامند، و ابلاغ و بیان آن را اکمال دین بخوانند، باز گیرم که بیان احکام اکمال دین باشد امروز دین را برای شما تکمیل و نعمت را برایتان تمام کردیم.

از این هم که بگذریم خدای تعالی تنها در امروز نبوده که احکامی را بیان کرده، بلکه در طول بیست و سه سال احکام بسیاری را تشریح و بیان کرده بود، چطور شد که تنها این چند حکم که امروز بیان شد عنوان اکمال دین و اتمام نعمت به خود گرفت؟ و اگر منظورش این است که مراد از اکمال دین تعطیل شدن تشریح دین و بسته شدن باب آن است، می خواهد بفرماید بعد از این چند حکم دیگر هیچ حکمی تشریح نخواهد شد، در این صورت از این شخص می پرسیم پس احکامی که بعد از نزول سوره مائده و قبل از رحلت رسول الله (صلی الله علیه و آله) نازل شد چه بوده؟ آیا آنها جزء دین نبودند، بلکه از این بالاتر احکامی که بعد از این آیه در خود

این سوره آمده مورد سوال می باشد، که آیا اینها جزء دین نیستند؟ خواننده محترم می تواند با مطالعه دقیق آن آیات به آن احکام واقف گردد.

و بعد از همه این اشکالهای بی جواب می پرسیم

در صورتی که منظور همان چند حکمی است که در عرفه ، دهم هجرت نازل شد معنای جمله : و (رضیت لکم الاسلام دینا) که تقدیرش (الیوم رضیت لکم الاسلام دینا) می باشد چیست؟ و چرا به این چند حکم منت نهاده شد؟ و چرا خدای سبحان تنها آن روز، اسلام را دینی پسندیده دانست؟ با اینکه هیچ مزیتی تصور نمی شود که باعث این اختصاص گردد.

تازه بعد از همه این اشکالها و چراها بیشتر و یا قریب به بیشتر اشکالهایی که بر وجوه قبلی وارد بود بر این وجه نیز وارد است ، و ما دیگر با اعاده آنها گفتار خود را طول نمی دهیم و

منظور از کلمه (یوم) :

- ۱- روز معینی
- ۲- از روزهایی است که بین عرفه دهم هجرت و بین ورود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مدینه طیبه است ،
- ۳- روزی که با بعضی از وجوه که در معنای یاس کفار و در معنای اکمال دین ذکر شده تناسب داشته باشد، در این صورت نیز اشکالهای سابق که به تفصیل مذکور سابق وارد می شد بر آن وارد می شود.

مراد از (یوم) در آیه شریفه از نظر ما، با دقت نظر در تفسیر آیه شریفه

این بود قسمتی از حرفهائی که بعد از مراجعه و تتبع از دیگران بدست آمده ، و یا حرفهائی که ممکن است کسی در معنای آیه مورد بحث بزنند، و بطوری که ملاحظه کردید تاکنون به وجه قابل قبولی بر نخوردیم ، ناگزیر باید بحث را به طریقی دیگر، که با وضع خاص این کتاب تناسب دارد دنبال کنیم ، لذا از نو تفسیر آیه را شروع می کنیم.